

# شکفتگی فلسفه در اسلام

## از ابن سینا تا ابن رشد

بفلم : آقای پروفور هاری کرین  
ترجمه : آقای دکتر عیسی سبهیدی  
استاد دانشکده ادبیات

عنوان فوق عنوان کلی دو مقاله فلسفی و تحلیلی است که توسط آقای پروفور هاری کرین<sup>۱</sup> شرق شناس و بخصوص ایران-شناس دانشمند فرانسوی در مجموعه «فلاسفه مشهور»<sup>۲</sup> که بهمت و سرپرستی یکی از بزرگترین فلاسفه معاصر فرانسوی بنام مرلو پونتی<sup>۳</sup> در سری نشریات و مطبوعات هنری مازنو<sup>۴</sup> طی سال ۱۹۵۷ در پاریس انتشار یافته بمنظور تصریح برخی مطالب اساسی و رفع اشتباهات فاحشی که اغلب مقتبعان تاریخ فلسفه در مغرب زمین دچار آن میباشند برشته تحریر در آمده است. اینک در شماره حاضر ترجمه و نشر اولین آن دو مقاله در باب حکیم شیخ الرئیس ابوعلی سینا و مشرب فلسفی او می بردازیم. مقاله دوم را که در مقام مقایسه با ابن رشد اندلسی و مشرب فلسفی او تخصصیسه داده شده در شماره آینده تقدیم خوانندگان محترم مجله خواهیم نمود.

دکتر عیسی سبهیدی

### I

## ابن سینا و «شرب فلسفی او»

ابن سینا نام یکی از بزرگان و سروران درجه اول فلسفه در اسلام میباشد. عنوان «فلسفه در اسلام»<sup>۵</sup> که در این مقاله مصراً و از روی عمد بدان تکیه میکنیم حتماً با واقعیت و حقیقت تاریخ مطابقت نام دارد.

- 1- Professeur Henry Corbin .
- 2- «Les Philosophes célèbres» .
- 3- Merleau - Ponty .
- 4- Editions d'art Mazenod, Paris.
- 5- La philosophie en Islam.

عنوان «فلسفه عرب»<sup>۱</sup> و صفت مشخص «عربی» که محققان و متبعان فلسفه در مغرب زمین برای «فلسفه اسلامی» قائل شده و بدان اصرار می ورزند اشتباهی است بزرگ و گناهی است نابخشودنی. زیرا صفت «عرب» یا «عربی» که مورخان مزبور برای فلسفه در قلمرو وسیع اسلام و اسلامیت و تمدن و تفکر اسلامی به قایل اختیار کرده اند، تنها مشمول وسیله و زبانی است که این فلسفه عظیم و تفکر عمیق و دامنه دار در آن جاری شده، تنها محمل و گاهواره ایست که در آن نطفه تفکر فلسفی اسلام پناه گرفته و آهسته آهسته طی قرون متمادی بمراحل رشد و کمال رسیده است. خلاصه اینکه «عربی» باید بزبانی اطلاق شود که آثار عمده و طراز اول تفکر اسلامی در قالب آن ریخته شده و برخی از آن آثار در قرن دوازدهم میلادی در مغرب زمین بزبان لاتین یاد دیگر زبانها ترجمه شده است. در حقیقت میتوان گفت که زبان عربی در اسلام همان نقش و وظیفه ای را که زبان لاتین بعنوان زبان مذهبی و عبادت در قلمرو مسیحیت و تمدن و تفکر مسیحی داشته ایفا کرده است. لیکن اگر تفکری از دایره مذهب خارج شده و جنبه عام و غیر مذهبی بخود بگیرد دیگر، اطلاق صفتی که رنگ مذهبی خاص دارد جائز نمی باشد و اصرار در استعمال آن بمنزله تجاوز بقلمرو دوم محسوب میگردد. بهمین دلیل ملاحظه میکنیم که اکثر اساتید فلسفه اسلامی از نژادها و ملیت های غیر عرب و خاصه عده معتنا بهی از آنان ایرانی و ایرانی الاصل میباشند و غالباً نیز آثار و تفکرات خود را بزبان پارسی نگاشته اند مثل شیخ الرئیس ابوعلی سینا و گاهی منحصرأ بفارسی نوشته اند مانند حکیم ناصر خسرو متعجب بفرقه اسمعیلیه. و باز از جهات دیگر جایز نیست که عالم اسلامی را بمثابه آینه یاسنگی یک پارچه و بدون نقش و نگار عمیق و متنوع تصور کرد و یا برای عنوان «فلسفه اسلامی» همان محدودیت و قاطعیتی را قائل شویم که مورخان فلسفه حقاً برای «فلسفه مسیحی» قائل می باشند. زیرا فلسفه مسیحیت را علمای اهل مدرسه و سنت و جماعت طی قرون وسطی بروفق شریعت و دیانت مسیح پی ریزی نموده و بنا کرده اند و حال آنکه در قلمرو اسلام فلاسفه همواره مورد سوء ظن اولیاء دین و اهل شریعت بوده و میباشند. بموازات فلسفه، علم کلام را نیز نمی توان معادل فلسفه اسلامی تلقی نمود.

اما اصطلاح و مفهوم «فلسفه در اسلام» که مورد توجه و اختیار ماست، بهیچ نحو از انحاء باسنت و شریعت و اصول دین تصادم و برخوردی نمی‌تواند پیدا کند یا طبیعی و خاطری را مشوش سازد، بلکه تنها معرف و مبین زمینه خاص مذهبی و آب و هوای حاصل فکری است که در آن فلسفه و مشرب مخصوص ابن‌سینا ریشه گرفته و شکفتگی یافته است. اختیار عنوان کلی «فلسفه در اسلام» از جانب دیگر مشمول تعدد و تنوع ذکرین‌ها و زمینه‌های روحی و فکری دیگری است که ذوق سرشار ابن‌سینا از آن آب خورده و مشروب گردیده است.

اولین اصلاحیه ضروری که اصلاحیه دیگری را در بر خواهد گرفت و باید در تصریح آن بکوشیم، بدین صورت عنوان میشود: منظره عمومی که از دیرباز تواریخ فلسفه در مغرب زمین ابن‌سینا و فلسفه او را در آن جایگزین ساخته‌اند منحصرأ مبتنی و متکی بر آشنائی با ترجمه‌هایی بوده است که طی قرن دوازدهم میلادی در شهر «تولدو» اسپانیا توسط طلاب علوم دینی و علمای اهل مدرسه برقرار گردیده و آن منظره را بشرح زیر میتوان خلاصه کرد تا نقص و اجمال آن بخوبی ظاهر شود: در این فهرست جز اسامی مشهور الکندی، و فارابی و ابن‌سینا از دیگران ذکر نمی‌ماند. سپس نام غزالی مذکور است که با ساطور انتقاد خود مهلک‌ترین ضربات را به پیکر فلسفه نواخته است. آنگاه چنین تصور شده است که ابن‌الرشد روح تازه‌ای بکالبد نیمه‌جان فلسفه دسیده و تفکر فلسفی را در اسلام بشامخ‌ترین قله‌های خود صعود بخشیده است. اهل مدرسه و علمای مسیحی قرون وسطی فلسفه اسلامی را در همین جا متوقف دانسته و با عظمت ابن‌الرشد مدفون ساخته‌اند.

نقص و فرومایگی فکر اروپائیان در باب رشد و تکامل فلسفه در اسلام که مدت‌ها در مغرب زمین بصورت حجر و قاطعیت در آمده بود، امروزه در پرتو تحقیقات و اکتشافات جدید و آشنائی کاملتر و دامن‌دار با اصالت و پیچیدگی وقایع و حوادث روحی و معنوی و تفکرات فلسفی قرون وسطای اسلامی، درجه اهمیت و اصالت و معنای حقیقی فلسفه ابن‌سینا و شخصیت بارز آن فیلسوف بزرگ، جهان‌پیمان معرفی گردیده و

گوشه وزوایای مشرب حقیقی آن حکیم عالیقدر آشکار گشته است .

ابن سینا در سال ۹۸۰ میلادی نزدیک بخارا در ماوراء النهر یعنی در دورترین منطقه سرزهای شرقی ایران باعرضه وجود گذاشت . خوب میدانیم که زندگانش بنحو اعجاب آمیزی بمیزان حداعلای شخصیت کم نظیر و مقتدر او چنانکه حریص شناخت و دریافت همه چیز بوده و در تشنگی آزمایش و عمل میزیسته بمنتهای مراتب تجربه شکفتگی یافته و بارور گردیده است . منصب وزارت نزد اسیر همدان را گرچه منحل تحقیقات و مطالعات علمی و فلسفی او بوده پذیرفته و هنگام روز بدان اشتغال میورزید ولی شب های خود را وقف مطالعه و تصنیف های گرانبها و بی شمار خود ساخته و رنج بیخوابی و خستگی های طاقت فرسا را بکمک چندتن از شاگردان و سریدان خاص بر خود هموار نموده و مجموعه آثاری شگرف و وسیع بنام خود باقی گزارده است . و باز بخوبی میدانیم که بر اثر فرسودگی تن و روان در سن پنجاه و هفت چشم از جهان فانی فرو بسته و مرگ او بین اصفهان و همدان بنحو ناشی و اسرار آمیزی بوقوع پیوسته . آثار وی همزمان و معاصر با احادیث سنی روحی و معنوی بزیور تصنیف و تالیف درآمده و آن تکوین فلسفه و مذهب باطنیه اسماعیلیه میباشد که ما اکنون آهسته آهسته از چندسال باینطرف بحدود آن معرفت حاصل کرده ایم . اکتشاف آثاری که معرفت مذهب اسماعیلیه میباشد موجب میشود که نام بزرگانی چند از اعظام آن فرقه مانند ابو یعقوب سجستانی ، مؤید شیرازی ، حمیدالدین کرمانی و غیره مقام خود را در تاریخ فلسفه احراز نمایند . امروز برای ما مسلم گردیده است که پدر و برادر بوعلی از پیروان اسماعیلیه بوده اند چنانکه ابن سینا در شرح حال خود اشاره به تلاشها و بیجا هدايات آنان برای تبلیغ و پیوستن خود او بفرقه اسماعیلیه نموده است . لیکن با وجود آنکه بیشتر از یک وجه مشابهت بین دنیای تفکر فلسفی و معنوی ابن سینا با دستگاه فکری و نظام عالم در مذهب اسماعیلیه وجود دارد ، فیلسوف شهیر هرگز دعوت پدر و برادر خود را نپذیرفته و همواره از پیوستن بمذهب اسماعیلیه امتناع ورزیده و بفرقه تقدیر از نزدیک شدن بآراء و عقاید مذهب شیعه هفت امامی اسماعیلیه اعراض نموده است . مقام و احترامی که در نزد امرای همدان و اصفهان احراز نمود ممکن است برای ما مجوز و محتملی باشد که او را لااقل بظاهر در زمره پیروان شیعه اثنی عشری بشمار آوریم .



نکات مختصری که در فوق بطور فشرده در باب زندگانی و فعالیت و مشغله روحی و ایده آل فلسفی او مذکور افتاد، تا حدی افق های وسیعی را که ذهن و اندیشه حکیم در بر گرفته و چهره معنوی و حقیقی خود را بر آن منعکس ساخته روشن میکند. از جانب دیگر مجموعه حیرت انگیز آثار او نیز دال بر شگرفی روح و وسعت مشربی است که علمای اهل مدرسه ( علمای اسکولاستیک )<sup>۱</sup> جز بخش محدودی از آنرا نمیتوانستند بشناسند و دریابند. بخش مزبور که در قرون وسطای مغرب زمین مورد مطالعه بوده بتحقیق عبارت از اثر معروف «شفاء ست که مشتمل بر علوم منطق و حکمت طبیعی و مباحث ماوراء الطبیعه میباشد. لیکن امروزه بر ما روشن است که طرح و نقشه عظیم فکری ابن سینا چنانکه خود او بارها بدان اشاره کرده است، میبایستی منتج و منتهی بیک نوع «فلسفه مشرقیه»<sup>۲</sup> بشود. کمال مطلوب او رسیدن بچنین نقطه مقصود است که رمز عالم هستی را در پرتو اشعه نورانی مشرقیه حل و توجیه کند و تلاش های اولیه بمنزله آزمایش ها و تمرین معرفت بمقدمات و متوسطات بوده است. اشارات و اشارت زیادی در دست ما هست که بتوانیم حقانیت این مدعا را بمعرض اثبات برسانیم. برای روشن شدن قضیه باید تئوری معرفت ابن سینا را در مجموعه فلسفه او در مرکز قرار دهیم و سایر مطالب و معانی را بمعیار آن بسنجیم. زیرا فلسفه معرفت در حکمت ابن سینا بمنزله یکی از موارد خاص «تئوری عقول»<sup>۳</sup> که در فلسفه افلاطونی و نو افلاطونی بنحو جامع شکافته شده است، جلوه میکند. تئوری عقول خود وابسته به یک قسم ( انژلولوژی<sup>۴</sup> ) یا علم فرشتگان است که در عین حال اساس تئوری عالم و تئوری وجود را پی ریزی نموده حدود علوم انسانی و معرفت باحوال و حقیقت انسان را متعین و مشخص می کند. در اندیشه ابن سینا صورت ریز ممکنات و موجودات عالم امکان بنحوی که متداول و جاری بوده است وجود ندارد، بلکه بزعم او اگر ممکنی از کتم عدم بصورت وجود متحقق گردیده از آنست که وجود او بحکم علیت خاص

- 1- Savants scolastiques
- 2- «Philosophie orientale»
- 3- Théorie des Intelligences
- 4- Angéologie

بضرورت پیوسته و همینطور سلسله علل بضرورت علیت خاص خود جاری و ساری گردیده است. بدین ترتیب ملاحظه میشود که اصل قدیمی فلسفه خلقت که عموماً مقبول حکما بود، در فلسفه ابن سینا تغییر جهت و تغییر ماهیت عمده ای یافته است. بدین معنی که مبدأ خلقت یکتو و انقلاب و کودتائی نیست که از اراده ازل در ازل آباد قدم نشأت گرفته باشد، بلکه در حقیقت ضرورتیست باطنی در ذات خداوند و بحکم آن ضرورت باطنی ازل صورت تحقق یافته است. تظاهر خلقت همان ذات اندیشه الهی است که بخود می اندیشد و معرفتی که ذات الهی در ازل و ابد بذات خود دارد چیز دیگری نیست مگر همان «تراوش اولیه»<sup>۱</sup>، اولین اشعار بمعرفت ذات<sup>۲</sup> با عقل اول<sup>۳</sup>. این چنین اولین اثر بی نظیر انرژی خلاقه که موبمو منطبق و مساوی با ذات اندیشه الهی است مایه جریان عالم خلقت از وحدت به کثرت میباشد و اصل اساسی را که میگوید «از یکی جز یکی نمیزاید» کاملاً اثبات می کند.

از منشأ «عقل اول» و یک سلسله مشاهده ذات، عالم کثرات ظاهر میشود و بدین ترتیب فلسفه خلقت عالم را بصورت یکتو «فنونولوژی»<sup>۴</sup>، وجدان ملکی دیا ملکوتی درمی آورد. عقل اول باصل و منشأ خود در عالم مشاهده می نگرد و اینگونه نگرستن در حقیقت رابطه اوست بااصل و منشأ خود و بالضروره او را بعالم وجود و عالم امکان محض که وجود خود اوست می کشاند و ظاهر میکند. ازین حرکت سه گانه «عقل دوم»<sup>۵</sup> صادر میشود که روح مجرد که «فلک اول یا (فلک الافلاک) است و جسم اثیری متعالی آن محسوب میشود و در حقیقت از بعد سفلی. ابعاد ظلمات متعلق به «عقل اول» منبعث گردیده است. این حرکت سه گانه در عالم مشاهده ذات از عقلی بعقل دیگر منتشر میشود و سریان می یابد تا اینکه سلسله مراتب مضاعف عقول ده گانه «کروبیان» و «ارواح ملکوتی» تکمیل شود. این سلسله فرشتگان و ارواح ملکوتی فاقد قوای حساسه اند

- 1- La Première Emanation
- 2- Le Premier nous
- 3- La Première Intelligence
- 4- Phénoménologie
- 5- Conscience angélique
- 6- Deuxième Intelligence
- 7- Ame motrice .

و در عالم تعقل محض و در حال تمنای وصل و پیوند با عقلی که از آن نشأت گرفته اند می‌زیند و این حالت کشش و تمناست که بهر یک از افلاک حرکت خاصی می‌بخشد. بنابراین حرکات و چرخشهای عالم خلقت اثر عشق و آرزومندی و عطشی است سیراب نشدنی که در نهاد فرشتگان و ارواح ملکوتی آفریده شده و جزء ذات آنان می‌باشد.

آخرین عقول مذکور به عنوان «عقل عامل یا فعال»<sup>۱</sup> نامیده شده و ارواح انسانی از آن نشأت گرفته‌اند و تشعشع آن موجب خلق و ایجاد عبارات و اندیشه‌هایی در نهاد موجوداتی که بنور انیت آن چشم امید و آرزو دوخته‌اند می‌گردد. قوه عاقله انسانی نه قدرت و نه وظیفه تجرید را دارد بلکه هرگونه معرفت یا خاطره در روح او پرتوی از تراوش و نورانیت فرشته یا عقل عامل است. فی الحقیقه عقل انسانی بالقوه از نیروی عقل عامل بهره‌ای دارد و چون ادراک و مشاهده باطنی و عقل عملی در نهاد او به موازات هم در کارند، عنوان «فرشته‌های زمینی»<sup>۲</sup> بر آدمیان اطلاق می‌شود و سرنوشت ارواح در این سر<sup>۳</sup> مستتر است. در بین درجات چهارگانه شعور باطن آنکه مارا در حال رابطه و خلوص با فرشته یا عقل عامل قرار میدهد بصفه «قدس» ممتاز گردیده و عالیترین مرتبت آن روح پیامبری و پیام‌آوری از عالم غیب است.

اکنون می‌توانیم طرح «فلسفه مشرقیه» این سینا را بر اساس تفکری که تشریح شد، مورد مطالعه قرار دهیم. مع التأسف آنچه از این مقوله برای ما باقی مانده از حدود اشارات و طرح‌هایی ناقص تجاوز نمی‌کند. دقیق‌ترین منظری که از آن میتوان بدست داد همانا توجه بر رسالات عرفانی ابن سیناست که در آن تجربه خصوصی و سر<sup>۴</sup> سلوک نفسانی خود را با ممانت گذارده. نادراست چنین مواردی که حکیمی و عارفی با چنین صراحت و قوت، بحقیقت ذات خود اشعار یافته و تصاویر معنوی خود را باین درجه وضوح و روشنی مجسم ساخته باشد. رساله‌های سه‌گانه‌ای که بنحو جالب مکمل حواشی بر حکمت الهی ارسطو، می‌باشند تجزیه و تحلیل سفر بست روحانی بمقصد «مشرق عرفانی» که روی نقشه‌های متداول ما مقامی ندارد ولی تصویر آن از فلسفه عرفان قدیم مستفاد می‌شود. رساله حی ابن یقظان دعوتی است بسفر روحانی بهمراهی فرشته نورانیت. در رساله طیر سفر روحانی بانجام میرسد و صورت پذیر میشود این

1- L' Intelligence agente

2- Les anges terrestres



رساله منشأ و مبدأ یک سلسله آثاری است که عالیترین نمونه آن مثنوی «منطق الطیر» شیخ فریدالدین عطار است که در قرن دوازدهم میلادی برشته نظم در آمده. رساله سلمان و اقبال داستان حماسی و معنوی دو قهرمان است که در بخش آخر کتاب «اشارات» قرار گرفته و در حقیقت سلسله زنجیر این طور یا سفر روحانی بدان ختم می‌شود. سلمان و اقبال قهرمانهای افسانه‌ای یا خیالی نیستند بلکه رمز و علائمی هستند که بوسیله آن حکیم عارف سر «سلوک باطنی خود را مکشوف می‌سازد. چهره‌ها و قیانه‌ها بی‌شک آنکه که بر رمز و اشاره احوال و اطوار باطنی روح و مراحل رشد و کمال حیات عمیق باطنی را مجسم می‌سازند. در حقیقت مظاهری هستند سر موز و مسکوت، بزبان دل سخن می‌گویند و نمی‌گویند و هرگز نمیتوان آخرین کلمه را درباره آنان ادا کرد زیرا که مانند بحر عمیقی همواره حقایق شگرف پنهانی در اعماق دل نهفته دارند. هر کس و هر اندیشه‌باند نزه پیشرفت خود در عوالم روحانی میتواند با خطوط و زوایای آن آشنا شود و هر کس بوسع روحانیت خود می‌تواند آنرا کلید رمز باطنی خود قرار دهد و پیشروی خود را در بادیه حقیقت بمعیار آن بسنجد و قدسهای موزون خود را بر شمرد و مس وجود خود را در حال و تحول تبدیل شدن بزرگ حقیقت مشاهده کند و خشنود شود.

چهره و نقش فرشته که «عقل عامل و فعال» است بمانجبال میدهد که سر نوشت آینده مشرب ابن سینا را حدس بزنیم. زوال و شکست فلسفه ابن سینا آنطور که علمای اهل مدرسه در قرون وسطای مسیحی بطور ناقص و نارسا شناخته بودند از همین جاسر چشمه می‌گیرد. طرفداران دین توحید و وحدانیت از این بابت سخن و خرسند میباشند زیرا در خاطر آنان مسلم است که نکته اساسی در فلسفه ابن سینا یعنی جستجوی حقیقت باطنی و معنوی هرگز مکتوم و معطل نخواهد ماند و اندیشه‌های عالی را بسوی بالا در آسمانهای پرستاره حقیقت لایزال رهبری خواهد کرد. در مغرب زمین امر و زی مجاهدات پر و فسون اتین ژیلسون<sup>۱</sup> فرانسوی و تجزیه و تحلیل عالمانه‌ای که از فلسفه اگوستین مسیحی<sup>۲</sup> برخوردار شدن فکر او از فلسفه ابن سینا کرده موجب بشمر رسیدن تفکرات عمیق فیلدوف<sup>۳</sup> شهیر ایرانی گردیده است. اکنون باید آثار و نتایج آنرا در مکتب آلبرت کیپر<sup>۴</sup> (خاصه شاگرد او اولر یک دوستر از بور<sup>۴</sup> و مکتب عرفانی ساحل رودخانه رن<sup>۴</sup> تفحص کرد

1- Professeur Etienne Gilson  
3- Ulrich de Strasbourg

2- Albert le Grand .  
4- Les mystiques rhénans



و دریافت . اما در حالی که سیلاب فلسفه ابن رشد آثار تفکر ابن سینا در عالم مسیحیت در هم پیچید و منقرض کرد سر نوشت آن در مشرق زمین اسلامی بنحو درخشانی راه ترقی و اعتلا پیموده است . نه آتش سوزان نقد غزالی و نه سیلاب بنیان شکن ابن رشد، هیچکدام نتوانستند در ارکان عمارت رفیع و حصن حصین تفکر ابن سینا خللی و خدشهای وارد سازند . سهروردی شاگرد و ادامه دهنده فکر ابن سینا در راه تکمیل و بسامان رساندن «فلسفه مشرقیه» مؤثر میباشد و بنای آنرا بر اساسی نو استوار ساخته و آن اساس نوین زنده کردن فلسفه نورانیه ( فلسفه الاشراف ) ایران قدیم است . مشرب جدید ابن سینا که برنگ سهروردی در آمده و در کوره ذوق مشتعل او آب پخورده و پرداخته شده طی " قرون ۱۶ و ۱۷ میلادی سر نوشت بی نظیری در مکتب فلسفی و اشراقی اصفهان حاصل کرده و تأثیر آن در نزد متفکرین مذهب تشیع تا امروز زنده و پاینده مانده است . میر داماد، ملا صدرای شیرازی، قاضی سعید قمی و بسیاری متفکران بزرگ دیگر که از نام آنان در لوحه تاریخ فلسفه جدید ذکر میماند پیش قدمان و متولیان این نهضت فلسفی نوین میباشند . در حالی که تفکر فلسفی در عالم اسلام بحال رکود فرو رفته بود استادان مزبور که بنا کننده فلسفه تشیع در ایران میباشند مشعل علم و حقیقت و سنت فلسفه مشرقیه ابن سینا و سهروردی را دوباره روشن ساخته و فروزان نگاه داشته اند . تطبیق و تطابق روح القدس یا ملک وحی و الهام با عقل فعال فلسفه ای معنوی کاملاً مغایر با فلسفه معنوی غرب بوجود آورده است و تجزیه و تحلیل آن از حوصله این مقاله خارج است . از جهت دیگر اطلاق صفات و فضائل پیمبری به شخصیت امام آنچه آنکه در فلسفه ابن سینا تشریح و بیان شد مذهب شیعه اثنی عشری را بمقام و مرتبتی خاص و متعالی ارتقاء بخشیده و مبانی فلسفی و عرفانی آنرا بنحو شایسته ای استحکام و استقرار داده است .

بدین ترتیب ضمن تصویر و تجسمی موجز و کوتاه ملاحظه می شود چگونه ثمره آثار و عمق تفکر ابن سینا در افق ها و آسمانهای بی کرانه ای تشیع و تلاوت خود را می گستراند و چگونه بعضی کوتاه نظران این مشرب وسیع و منبع نور لایزال را در تنگنای فکر و اندیشه محدود خود محبوس و مهجور نگاه داشته و عقیم ساخته بوده اند . در مقاله ثانی سر نوشت و توسعه فلسفه ابن رشد را تشریح نموده و نسبت آنرا با فلسفه اعیل ابن سینا خواهیم سنجید .